

## فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف (۲) \*

سید جلیل محمدی<sup>۱</sup>

اُمْنَاء. جمع امین. مردمان امین و امانت‌دار. || کسانی که بر آن‌ها اعتماد کنند. || امانت‌داران. امینان. || افراد مورد اعتماد که امور مهم کشور در دست آنان بود || هیئت اماناء: گروهی که در سازمانی یا مؤسسه‌ای نظارت داشته باشند. (گفت‌نامه دهخدا؛ فرهنگ بزرگ سخن) ← هیئت اماناء.

- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند به منظور حسن اداره اماکن مذهبی اسلامی و هم‌چنین برای موقوفاتی که متولی ندارد در هر مورد هیئت امانایی تعیین نماید. (ماده یک آیین‌نامه نحوه انتخاب امین و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف یا هیئت اماناء اماکن مذهبی و موقوفات ۱۳۶۵/۲/۱۰).

**اموال.** جمع مال. املاک و اسباب و امتعه و کالا و دولت و ثروت و هر چیزی که کسی مالک و دارا باشد.

- اموال بر دو قسم است: منقول و غیرمنقول (ماده ۱۱ ق.م.)

۱ - مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود. (ماده ۱۲ ق.م.)

- اراضی و ابنیه و آسیا و هرچه که در بنا منصوب و عرفاً جزو بنا محسوب می‌شود و غیرمنقول است. هم‌چنین لوله‌های جریان آب. (ماده ۱۳ ق.م.)

۲ - اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این‌که به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است. (ماده ۱۹ ق.م.)

**اموال بدون مالک خاص.** اسم آن مشترکات عمومی است (ماده ۲۳ به بعد ق.م.) و مقصود از آن‌ها اموالی است که یک ملت یا سکنه یک ناحیه (مانند شهر) به‌عنوان عمومی مالک آن باشند. مانند: پارک‌شهر، میدان عمومی، موقوفات عامه و طرق و شوارع (ترمیمولوژی حقوق)

**اموال عمومی.** املاک و اسباب و کالا و ثروت‌هایی که متعلق به تمام مردم می‌باشد. مثل راه‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، معادن، منابع طبیعی، اراضی موات و غیره.

\* توضیح ماهنامه «کانون»: قسمت اول سلسله موضوعی «فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف» در شماره ۱۰۵ ویژه خرداد ماه همین ماهنامه درج شده است.

۱. دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

**اموال غیر منقول.** اموال غیر قابل حمل و نقل. ← اموال

**اموال منقول.** اموال قابل حمل و نقل. ← اموال

**أمور.** جمع امر. کارها و عمل‌ها و کردارها. أعمال.

«و الی الله ترجع الامور: بازگشت همه موجودات به سوی آفریدگار است» (آیه ۱۰۸ سوره آل عمران)

**أمور حسبی.** کارهایی که در عهدهٔ محتسب است. (نعتنامه دهخدا)

- اموری است که دادگاه‌ها مکلف‌اند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون

این که رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.

(ماده یک ق.ا.ج. مصوب ۱۳۱۹)

**أمور خیریّه.** کارهای نیک. کارهای خیر و عام‌المنفعه.

- در صورتی که املاک وقفی تخصیص داده شده بر امور خیریّه، عایدات کافی نداشته باشد، مخارج

ثبت گرفته نخواهد شد. (ماده ۲۹ ق.ت.)

**أمور عام‌المنفعه.** کارها و اعمالی که سود و منافع آن شامل عموم و همه مردم می‌شود.

- هرگاه موصی له غیرمحصور باشد مثل این که وصیت برای فقرا یا امور عام‌المنفعه شود، قبول شرط

نیست. (ماده ۸۲۸ ق.م.)

**امور مالی.** کارها و اعمال مربوط به پول و وجه. کارهای حسابداری.

- در هر وزارتخانه یا سازمان و ادارات کل و واحدهای تابعه آن اداره یا شعبه و یا واحدی وجود دارد

که به کارهای حسابداری و مالی و درآمد و هزینه‌ها می‌پردازد.

**امور موقوفه.** کارهای مربوط به وقف و تولیت.

- واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیوة یا در مدت معینی برای خود قرار

دهد. (ماده ۷۵ ق.م.)

**امور مؤکل.** کارهای مربوط به موکل. وظایف موکل.

- وکالت ممکن است به طور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی.

(ماده ۶۶۰ ق.م.)

**امین.** امانت‌دار. طرف اعتماد. درستکار. || کسی که مردم به او اعتماد کنند. اماناء جمع. (فرهنگ عمید)

|| کسی که مورد اعتماد مردم باشد و نزد او امانت بسپارند. (مؤلف) ← اماناء و ضمّ امین وقف و ...

**امین موقوفه.** شخص مورد وثوق بر امور موقوفه. || تعیین شخص مورد اعتماد و امانت‌دار و درستکار

بر امور موقوفه. ||

- اگر خیانت متولی موقوفه ظاهر شود حاکم ضمّ امین می‌کند. (ماده ۷۹ ق.م.)

**امین وقف.** ← امین موقوفه.

**انتزاع.** جدا کردن. از جای بیرون کشیدن. || گرفتن. به تصرف درآوردن. جدا شدن از کسی یا جایی.

|| انتزاع ید: با دست خود جدا کردن.

- آنچه در این سند وقف کرده‌اند انتزاع ید مالکیت نمودند. (به نقل از یک وقف‌نامه عادی)

**انتفاء.** از میان رفتن. نیست شدن. (فرهنگ عمید) || نفی. رد. انکار. || از بین بردن. نیست و نابود کردن.

*(فرهنگ بزرگ سخن)*

- ... صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفاء موضوع ... مقدور نباشد. (تفسیر زیر ماده ۸ قانون تشکیلات سازمان حج و اوقاف ۱۳۶۳) ← متعذرالمصرف

**انتفاع.** سودبردن. بهره‌بردن. نفع کردن. بهره‌برداری. || حقی که به موجب آن می‌توان از ملک دیگری استفاده کرد، اما نمی‌توان آن را به شخص ثالث انتقال داد. (فرهنگ معین)

- بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد. (ماده ۸۸ ق.م.)

**انتقال.** از جایی به جایی شدن. نقل کردن. (فرهنگ عمید) || جابه‌جا کردن. || (فقه، حقوق) واگذاشته شدن مالی به مالکی جدید و از بین رفتن مالکیت قبلی نسبت به آن. (فرهنگ بزرگ سخن) واگذاری، در اصطلاح ثبت و دفاتر اسناد رسمی؛ فروش ملک یا مال اعم از منقول (خودرو و غیره) یا غیرمنقول (املاک) به دیگری. (مؤلف)

**انتقال دهنده.** کسی که ملکی یا چیزی را به دیگری منتقل یا واگذار می‌کند. معامل. فروشنده. واگذارکننده.

**انتقال گیرنده.** کسی که ملکی یا چیزی به او منتقل یا واگذار می‌شود. خریدار. متعامل.

**انحلال.** به طور دائم تعطیل شدن. برچیده شدن. || متلاشی شدن. (فرهنگ بزرگ سخن) || از میان رفتن و برچیده شدن یک اداره یا بنگاه || برچیدگی. (فرهنگ عمید)

- در صورت انحلال مؤسسه مزبور تولید به وزارت بهداشتی ایران محول خواهد شد. (زندگان عرصه عشق، صفحه ۳۴۱، ج. ۳)

**اندرزگاه.** مؤسسه‌ای یا بخشی از آن که به دادن راهنمایی‌های پزشکی، بهداشتی، روانی و مانند آن‌ها اختصاص یافته است: اندرزگاه زندان. (فرهنگ بزرگ سخن)

- به منظور احداث درمانگاه و اندرزگاه ... (آثار ماندگار، صفحه ۳۵۰)

**اندرونی.** منسوب به اندرون. خانه‌ای که پشت خانه دیگر واقع باشد و مخصوص زن و فرزندان و خدمتگزاران است. مقابل بیرونی. (فرهنگ معین)

**توضیح:** در زمان‌های گذشته، خانه‌های بزرگ شامل دو قسمت بود؛ قسمت جلو ساختمان (بیرونی) قرار داشت که در آن از مهمانان پذیرایی می‌کردند و قسمت عقب ساختمان معروف به (اندرونی) بود که مختص اعضای خانواده بود. (مؤلف)

- مورد وقف شش دانگ عمارت شامل بیرونی و اندرونی و باغچه متصل به آن و ... می‌باشد. (از یک وقف‌نامه عادی قدیمی)

**انذار.** ترسانیدن. بیم‌دادن. آگاه کردن. (فرهنگ عمید) || پنددادن. نصیحت کردن. || عواقب ناگوار امری را گوش زد کردن و ترساندن و برحذر داشتن. (فرهنگ بزرگ سخن)

- معمولاً در آخر وقف‌نامه‌ها، برای انذار و اخطار و آگاه کردن و بیم دادن، آیه شریفه ۱۸۱ سوره مبارکه بقره را می‌نویسند. ← فمن بدله بعد ما ...

**انقذ.** نقدتر. آماده‌تر.

- حقوق دولت یا شهرداری یا ... یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارایی متجاوز طبق مقررات - اسناد لازم الاجرا استیفا خواهد شد. (رئیس "ج" ماده واحده قانون راجع به اراضی دولت و ... و اوقاف، ۱۳۵۵)
- از جمله مورد وقف: یک قطعه ملک انقد که به مساحت ۹ قفیز بوده باشد. (وقفنامه ۱۳۷۴ ه. ق.)
- انقراض. انعدام و نابودی. تمام‌شدگی و به‌سرآمدگی. اتمام و انجام. به‌سرآمدن مدت. (نعتنامه دهخدا)
- || سپری گردیدن. نابودی. پایان. (مؤلف)
- مادامی که صاحبان حق انتفاع موجود هستند، حق مزبور باقی و بعد از انقراض آن‌ها حق زایل می‌گردد. (ماده ۴۵ ق. م.)
- در صورت انقراض نسل واقف و ... نظارت با اقرباء ایشان خواهد بود. (به نقل از یک وقفنامه عادی قدیمی)
- انواع موقوفات.** الف - ابن‌بطوطه که از سیاحان بنام اسلامی است در سفرنامه خود «تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار» انواع موقوفات مؤسسات خیریه‌ای آن دوران را آورده است که به شرح زیر می‌باشد:
- ۱ - مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه از قبیل: بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد و خانقاه‌ها.
  - ۲ - اوقاف ظروف. ← متولی اوقاف ظروف.
  - ۳ - خیریه‌هایی برای اطعام مسافران و نیازمندان.
  - ۴ - موقوفات و مراکزی برای تلاوت قرآن و وعظ و خطابه. (در طبس)
  - ۵ - اختصاص قسمتی از موقوفه‌ای برای خریدن گوشتی که گربه خورده است. توضیح: در آن زمان گویا خوردن گوشت توسط گربه در منازل یک مشکل روز بوده و این امر باعث دردسر و درگیری خانواده‌ها می‌شده است.
  - ۶ - موقوفاتی برای مخارج شکایت از عمال دیوان و مأمورین دولت. (تاریخچه وقف در اسلام)
- ب - مصارف یکی از وقف‌نامه‌ها که وقف آن در سال‌های اخیر انجام یافته از نظر تنوعی که به مقتضیات زمان در مصارف پیدا شده است، ذکر می‌شود:
- ۱ - علاوه بر قنوات موجود در شهر زنجان یک رشته قنات برای مصرف شهر احداث نمایند ... و آب آن را ... تسبیل و تقسیم نمایند.
  - ۲ - ایجاد بیمارستان‌ها در هر نقطه‌ای از شهر زنجان با کلیه مخارج و تجهیزات روز و پیوسته از ده نفر مرضای فقیر و بی‌بضاعت پذیرایی و مداوا کنند.
  - ۳ - در دهات موقوفه مذکور ... دبستان تأسیس نمایند.
  - ۴ - در قریه زرزر ساختمان حمام وقفی را که شروع کرده‌ام تکمیل نمایند.
  - ۵ - بر رودخانه ده دولجین پلی بسازند.
  - ۶ - در هر سال در لیالی ۱۹ - ۲۱ ماه رمضان و نهم و دهم محرم همه ساله در کلیه املاک موقوفه کوچک و بزرگ، زن و مرد باید کلاً اطعام بشوند.
  - ۷ - هر سال نزدیک عید نوروز ۵۰ دست لباس دخترانه و ۵۰ دست لباس پسرانه تهیه و در شب عید نوروز هر سال به صد نفر دختر و پسر یتیم و بی‌بضاعت بدهند.

لباس‌ها باید از هر حیث تکمیل حتی دارای کفش و جوراب نیز باشد.  
 ۸ - هر سال در شب چهارشنبه آخر سال به یکصد خانواده از اهالی مستحق و آبرومند زنجان به هر خانواده هرگاه از طبقه علما و طلاب علوم دینی باشد هر سال ۵۰۰ ریال و هرگاه از طبقات دیگر باشد به هر خانواده ۳۰۰ ریال همه ساله تقسیم نمایند. در تقسیم باید جدیت نمایند که به مستحقین آبرومند و غیرقادر به سؤال تقسیم شود. (تاریخچه وقف در اسلام)

ج: ۱ انواع دیگری وقف (از اموال گران‌بهای آستان قدس رضوی گرفته تا درخت‌های گردوی کوهستان‌های پیرامون اصطهبانات فارس) که محصول قسمت اعظم آن‌ها وقف بر اطفالی است که به مسجد می‌روند و شاید مقصود از این کار تشویق کودکان به حضور در مسجد باشد، وجود دارد. (مالک و زارع در ایران)

۲ - کاشتن درختان میوه در معابر عمومی برای استفاده عابران و عموم، مثل: درخت توت، خرما، گردو و نظایر آن.

۳ - وقف‌نامه‌ای که در روی یک قطعه کاشی آبی رنگ به اندازه ۳۲×۴۰ در زیر مقرنس<sup>۱</sup> مسجد جامع یزد نصب است. متن وقف‌نامه چنین است: «وقف خواجه امین‌الدین حسین ... مقدار سی و دو سبو و نیم آب کاریز بر دهلیز مسجد جامع جدید شهر که منال آن بر شخصی دهند تا آب در خنب (خم) که موضوع وقف است ریزد و مسلمانان بیاشامند. (قباله و قبالة نویسی در ایران، ص ۱۷۷)

۴ - حبس فرس: وقف اسب در راه خدا. (تفت‌نامه دهخدا) ← حبیس

۵ - غرس درخت در جاهای خاص برای استراحت و استفاده مسافران از سایه آن (در زمان‌های گذشته) (باقوی زنده‌دل، مبین، جزوه وقف، ص ۱۱) ← جهات وقف

۶ - قربانی کردن گوسفند (پس از فوت واقف) در روز عید قربان هر سال.

۷ - صرف هزینه برای تعمیر و مرمت حوض و آب انبارها و حمام‌های محل.<sup>۲</sup>

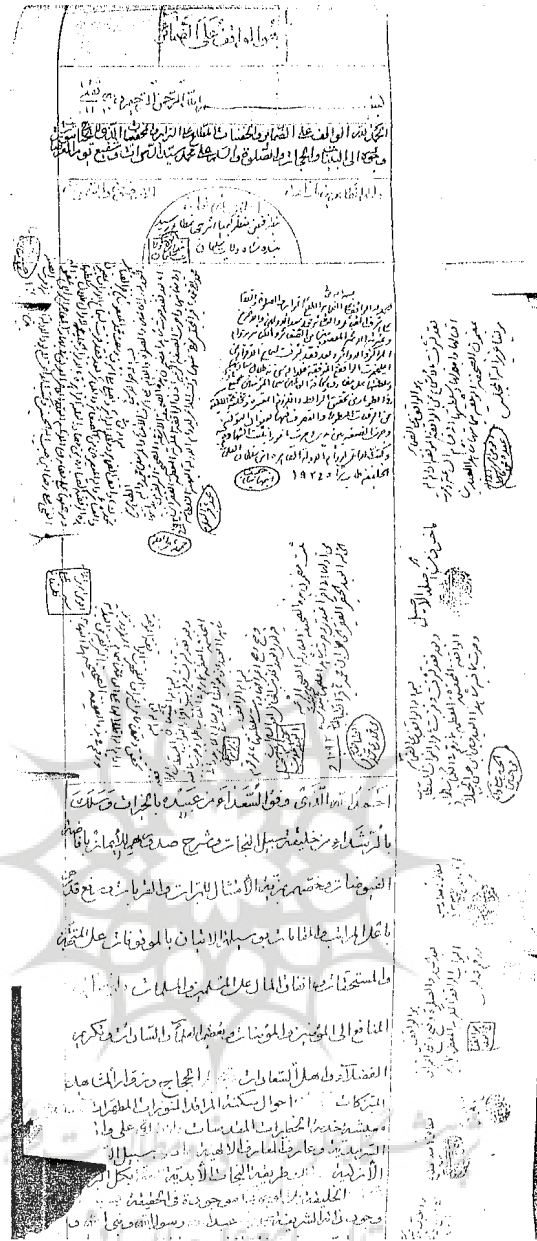
۸ - صرف هزینه دو یا چند نفر طلبه که مشغول علم طب باشند.<sup>۳</sup>

۹ - صرف مؤمنین در عید سعید نوروز از شیرینی و غیره.<sup>۴</sup>

۱۰ - اطلاع فقرا و ضعفا در عصر پنج‌شنبه تا شب جمعه در تمام سال.<sup>۵</sup>

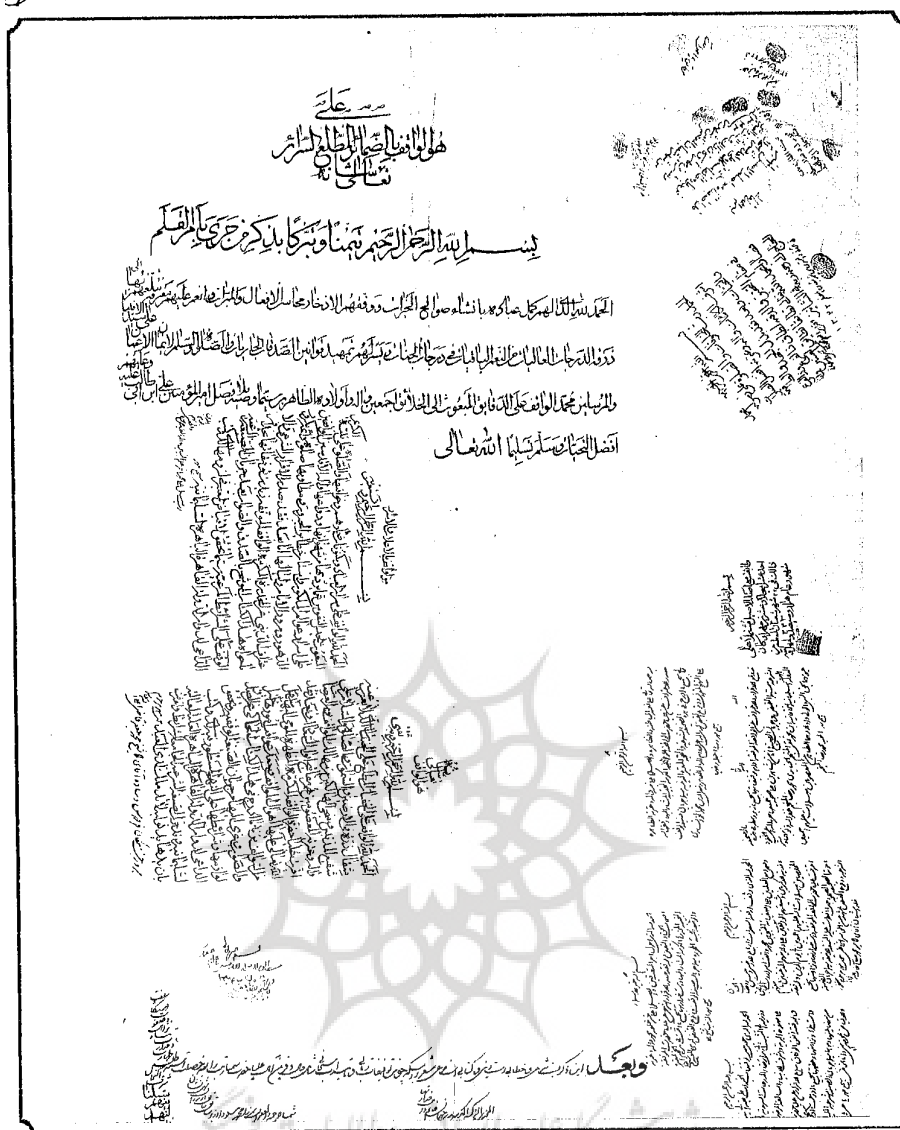
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

۱. سقف یا گنبد گچ‌بری شده، بنای کنگره‌دار، قرنیزدار. (فرهنگ عمید)  
 ۲. و ۳ و ۴ و ۵. وقف‌نامه عمادالملکی طبس.



وقفنامه مربوط به زبیده بیگم بنت شاه سلیمان صفوی، مورخ ۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۷ هـ.ق.

(به نقل از؛ دفتر اول اسناد موقوفات اصفهان، ص. ۳۲.)



وقفنامه مربوط به بدر جهان خانم بنت محمد مسعود (میرزا) وزیر وقت مازندران، مورخ ۴ جمادی الاخری ۱۱۰۱ هـ.ق. (به نقل از؛ دفتر اول اسناد موقوفات اصفهان، ص. ۷۰)